

عوارض ونتیجه مطالباتی که در وزارت مالیه میشود به مجلس بیاید و مجلس حکم کلی را بکنند این است تفصیل و اما در باب اینکه فرمودند دو مقابل شده و همین راجع به مسئله اعلان بنده رسیدگی خواهم کرد و اگر دو برابر میگیرند البته باید جلو گیری بشود ولی آن معمولی سنوات سابق را خواهند گرفت تا وقتی که مجلس حکم کلی را بکنند و در باب عوارض بلدی هم نتیجه مطالعات وزارت مالیه تمام شده و ضمن لایحه به مجلس پیشنهاد خواهد شد صورت عوارض هم که معمول است به مجلس فرستاده شود و باید آقایان نمایندگان مطالعه کنند و هر کدام از تصویب مجلس بگذرد به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

شیخ الاسلام - چون نظر رئیس دولت این است هر کدام معمول بوده گرفته شود تا مجلس شورای ملی تصمیمی اتخاذ کند عرض میکنم این مالیات معمول نبوده است مثلا سال قبل يك دينار از آنها گرفته نشده خوب است فدفن بفرمائید از آنها گرفته نشود تا مجلس شورای ملی يك تصمیم اتخاذ کند اگر چه به توجه هیئت دولت سابق و رئیس الوزراء حایله يك قدری تخفیف داده شده ولی هنوز يك قدری از آن ها در ولایات معمول است

رئیس الوزراء - این مالیاتی را که مذاکره فرمودند اگر اعطاسی و هیدی است از خیلی سنوات قبل معمول بوده باید هیئت دولت رسیدگی کند که تجاوز نشود تا در مجلس شورای ملی يك تصمیم کلی گرفته شود

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه می دهند مجلس را ختم کنیم جلسه آینده هب يك شنبه دوم صیام دوساعت از شب گذشته دستور اولاً بقیه مذاکرات راجع به قانون انتخابات ثانیاً راجع به قالی جوهری **مستشار السلطنه** - يك عریضه هم راجع به آقایان تجار بوده استدعا میکنم که آن را هم جزو دستور بگذارید

نایب رئیس - بلی قرائت کاغذ تجار هم جزو دستور خواهد شد آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده عرض میکنم ساعت دو از شب گذشته که فرمودید در شبهای ماه مبارک رمضان حضور در این ساعت غیر ممکن است اگر مقصود جمع شدن جرایم در صندوق جرایم است ممکن است اول افطار را تعیین بفرمائید والا تا شخصی غذا بخورد و نماز بخواند سه ساعت از شب گذشته این جا میسر است سابقا که ساعت سه معمول بوده لهذا بنده با دوساعت از شب گذشته مخالفم و تقاضا می کنم ساعت سه از شب گذشته را معین بفرمائید تا بتوانیم حاضر شویم **نایب رئیس** - اگر مخالفی نیست صبح ندارد سه از شب گذشته باشد

آقای سید محمد باقر دست غیب - بنده مخالفم و عرض میکنم دوازده شب گذشته برای افطار و نماز کافی است و باید حاضر باشند و اگر عرض این است که بخوابند و بعد از خواب بیایند آن امری است علیحده .

نایب رئیس - (خطاب به آقای میرزا علی کازرونی) بفرمائید

آقای میرزا علی - بنده فرمایش حضرت والا را تصدیق می کنم و عرض میکنم خوب است دو ساعت از شب گذشته معین بشود ولی فید شود که اگر تا ساعت سه نیامدند جریمه نداشته باشند

سلیمان میرزا - هر چه چیزی ممکن نیست

محقق العلماء - خیر الامور اوسطها خوب است که دوساعت و نیم از شب گذشته معین فرمائید

نایب رئیس - همه برای رای گرفتن کافی نیست اگر مخالفی نباشد دوساعت و نیم از شب گذشته باشد ؟ (اظهار مخالفی نشد)

مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۹۴
صورت مشروح مجلس ليله يكشنبه دوم رمضان ۱۳۴۰ مطابق دهم ثور ۱۳۰۱ مجلس ۳ ساعت از شب گذشته بریاست آقای موتمن الملك تشکیل کردند صورت مجلس يوم پنجشنبه هفتم ثور ۱۳۰۱ قرائت شد

رئیس - آقای شیخ الاسلام اسفهانى .

(اجازه) **شیخ الاسلام** - سؤال بنده از

آقای رئیس الوزراء منحصر بکسبه خیابان لاله زار نبوده و بطور مطلق بود و آقای رئیس الوزراء هم جواب فرمودند این مبلغ جزء عوارض بوده است و باید گرفته شود فرمودند اطلاع ندارم و باید تحقیق کنم اگر چیزی معمول بوده است باید گرفته شود.

رئیس - اصلاح میشود نسبت بصورت مجلس دیگر ایرادی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاح تصویب شد دستور امشب شوردر رایورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات است دو فقره لایحه از طرف دولت رسیده است یکی راجع است بتقاضای شانزده هزار و پانصد تومان اعتبار برای سیم کشی بین قم و ساوه و دیگری تقاضای چهار هزار و سیصد تومان اعتبار برای پرداخت اضافه مهارج سنه ماضیه عدله های ولایات بکمیسیون بودجه ارسال می شود راجع بانتهاب کنندگان رای مجلس معلوم شد راجع بانتهاب شوندگان هم

کمیسیون کسب تکلیف نکرده است فقط چیزی که باقی می ماند تمدید مدت است زمینه مذاکرات راجع بمدتی است که بالفعل در قانون انتخابات معین است یعنی دوسال آقایانیکه مخالف هستند بایستی نسبت بدوسال اظهار مخالفت کنند آقای حاج میرزا مرتضی .

(اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده با این ترتیبی که فعلا هست یعنی دوسال بدو- سال انتخابات تجدید نظر شود مخالف مخالفت بنده هم باین واسطه است که باین ترتیب سبب می شود که ایام فترت و تعطیل مجلس تولید شو بهتر این است ترتیبی قرار بدیم که بواسطه انتخابات دوره فترت حاصل نشود .

این مضراتی که دیده میشود همه بواسطه این است که پس از دو سال که مدت وکالت منقضی میشود تا بخوانند مجددا انتخابات بعمل آورند يك فترتی پیش می آید که شاید پنج سال و شش سال و ده سال طول میکشد و انتخابات تمام میشود .

بنده عقیده دارم که دوره انتخابات راجع چهار سال بچهار سال قرار بدیم و هر سال یک ربع از وکلا بقره خارج شوند و گمان میکنم با این ترتیب دیگر فترتی پیش نیاید باینکه سه سال دوره انتخابات راقرار بدهند و در سال يك ثلث از نمایندگان بحکم قره خارج و عوض آنها يك ثلث دیگر انتهاب شوند بهر جهت بعقیده بنده این ترتیب بهتر از این است که دو سال بدوسال انتخابات تجدید شود

رئیس - آقای آصف الممالک (اجازه)

آصف الممالک - بنده راجع بتمدید مرضی ندارم عرض راجع بشرايط منتخبین بود که آن را هم کمیسیون کسب تکلیف نکرده است .

رئیس - آقای حاج مهزاهلی محمد دولت آبادی مخالف هستید ؟

حاج میرزا علیمحمد - بنده راجع باصل پنجم قانون اساسی يك اشکالی دارم که تا آن اصل حل نشود مانع میتوانیم داخل این زمینه بشویم .

اول ما باید راه حلی برای آن پیدا کنیم بعد داخل در این مذاکرات شویم **رئیس** - در ضمن مذاکرات راه حل آن پیدا خواهد شد . اشخاصیکه با تمدید مخالفت دارند همین اصل پنجم دلیل آنها خواهد بود .

ملك الشعراء - اجازه میفرمائید

از طرف کمیسیون توضیحی عرض کنم

رئیس - بفرمائید **ملك الشعراء** - این اشکالی که آقای دولت آبادی اظهار فرمودند در بدو امر که در کمیسیون این قضیه مطرح بود این

اشکال پیش آمد ولی مراجعه کردیم به فراندی که قبل از انتخابات مجلس دوم شده بود یعنی در همان اوقات کمیسیون در مرکز برای تهیه نظامنامه انتخابات معین شده بود و آن کمیسیون مراجعه به انجمن های ایالتی و ولایتی نموده بودند که آنها از ملت اجازه بخوانند تا بتوانند در قانون انتخابات تجدید نظری نکنند زیرا دولت و ولایای وقت و اشخاصی که در آن وقت حلقه مند بقضایای انتخابات بودند حس کرده بودند که با طرز انتخابات اضافی و طبقاتی نمی شود انتخابات را انجام داد . بدیهی است در بدو مشروطیت قانون انتخابات کافی نبود و با آن ترتیب طبقاتی و اضافی انتخابات مجلس جریان پیدا کرده .

نعمه نظریه سیر تکامل لازم دانستند در قانون انتخابات تجدید نظری بشود و آن طرز اولی را بهم نزنند و نسبت بآن طرز انتخابات چند اصل از قانون اساسی اشعار داشت این بود که فراندی حاصل شد و از طرف انجمن های ایالتی و ولایتی به انجمن ایالتی آذربایجان اختیار داده شد و تقاضا کردند که انجمن ایالتی آذربایجان و قالی آذربایجان باطلاع جمهور ملت به نشینند و مدافعه کنند و اگر صلاح دانستند به کمیسیون مرکزی اجازه بدهند که آن کمیسیون حق داشته باشد قانون جدیدی برای انتخابات وضع کند و اگر هم لازم شد چند اصل از قانون اساسی را ملغی کند . انجمن ایالتی آذربایجان هم در این قضیه مداخله کرده و چهار اصل از قانون اساسی را ملغی میکند و حق میدهد به کمیسیون طهران که در نتیجه الفاه آن چهار اصل از قانون اساسی قانون انتخابات را بنویسند و در مقدمه قانون انتخابات سنه ۱۳۲۷ هم باین قضیه اشاره میکند و خود آن مقدمه اشکال آن را دفع میکند و آن این است (چون بر حسب اقتضات وقت باره از مواد نظامنامه انتخابات امضاء مجلس شورای ملی لازم التعمیر دیده شده بموجب قدر قدرت اهل حضرت اقدس همایونی شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطانه جمعی از خیر خواهان ملت باتفاق امضاء مجلس شورای مملکتی کمیسیون مرکب از بیست نفر با کثرت آراء تشکیل دادند که نظامنامه جدیدی ترتیب دهند . چون در قانون اساسی چهار ماده راجع بامر انتخابات اشاره شده بود تغییر آن مواد با اصول مزبور مخالفت می نمود معض رفع این معذور کمیسیون مزبور موادمهمه نظامنامه را که تنظیم کرده بود باره اخیر اندیشان ممالک مهمه ایران عرضه داشت مراکز مهمه مملکت در این باب حق نظر خودشان را بر مرکز آذربایجان تفویض نمودند مقاله آن مرکز عمده تفسیر مواد را به رانصوب و ملاحظات خود در از مواد مهمه دیگر پیشنهاد

کردند علیهذا با رعایت ملاحظات مرکز آذربایجان این نظامنامه تنظیم شد در تحت این ملاحظه که مجلس شورای ملی بمدت اینکه بمبارکی و میمنت افتتاح یافت بموجب اختیاری که در قوانین اساسی برای او مقرر است در استقرار با جرح و تعدیل هر یک از مواد نظامنامه آنچه صلاح دانند منظور فرمائید و آن اصولی که تلفظ مواد اعلا شده است عبارت است از اصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم و غیر از این چهار اصل با اصول دیگری که راجع با انتخابات باشد نداریم یکی از این چهار اصل راجع به مدت دوره تقنینیه است و آن اصل اصل پنجم است میگوید متتبعین برای مدت دو سال تمام انتخاب می شوند و ابتداء این مدت الخ باین سوابقی که عرض شد و این مقدمه قانون انتخابات دیگر کمیسیون در مقابل خودش اشکالی ندهد. برای اینکه این اصل پنجم قانون اساسی که مدت انتخابات را دو سال معین کرده بود و غیر قابل تفسیر فرض میشد بموجب رفتارندم و مراجعه به افکار عمومی تفسیر کرد و جزو قوانین هادی محسوب میشود چنانچه در مجلس دوم هم بموجب حقی که برای تجدید نظر در قانون انتخابات بماده شده بود قانون انتخابات را تغییر داد و این قانون انتخابات حایه را وضع کردیم. حال هم چون بموجب رفتارندم ما حق داده شده است در قانون انتخابات تجدید نظر کنیم دو سال راه میتوانیم به سه سال یا بیشتر یا کمتر مبدل کنیم باین ملاحظاتی که عرض شد کمیسیون خود را آزاد دید در اینکه بدون نظر داشتن به قانون اساسی مسئله تمدید را در نظر بگیرد ولی در همین حال چون مسئله با اهمیت بود و افکار عمومی زیاد متوجه آن بود به رأی مجلس اجازه داده شد تا هر چه مجلس رأی بدهد مطاع باشد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اگر چه کیفیت مضاربات و مکاتبات آن اوقات راجع با اصولی که میخواهند در قانون اساسی تغییر بدهند فعلا در نظر هست ولی عمده مطلب که محل اختلاف شده است این است که آیا این مواد قانون اساسی که ملغی شده بجای آنها اصول دیگری گذارده شده است؟ یا اینکه این اصول ملغی و یک قانون هادی بجای آنها نوشته شده است؟

اگر از طرف ایالات و ولایات بانجمن ایالتی آذربایجان حق داده شده است و از طرف انجمن آذربایجان هم بمجلس حق و اجازه داده شده باشد که این اصول را تغییر

بدهند معلوم میشود مواد دیگری که نوشته شده است جای این اصول قانون اساسی محسوب است یک نفر از نمایندگان - نه این طور نیست

حاج شیخ اسدالله - (این نه که شما میفرمائید خوب است بمدت آنکه اعتراضات من تمام شد فرمائید من که در اینجا صحبت میکنم نباید از اطراف و اکناف بمن نهولو بگویند) بنده عرض کرده هنوز آن مکاتبات را ندیده ام و از مضاربات و مذاکراتی که در آن موقع جریان پیدا کرده است مسبوق نیستم بر حسب اجازه که ایالات و ولایات بانجمن آذربایجان داده اند و اجازه که انجمن آذربایجان بآن هیئت داده است که این چند اصل قانون اساسی را تغییر بدهند و چند اصل دیگر بجای آن بگذارند البته آن چند اصل که جای اصول اولیه گذارده شده است یکی از اصول ثابت قانون اساسی است و ابدا قابل تغییر نیست ولی اگر انجمن آذربایجان اجازه داده است که این چند اصل از قانون اساسی ملغی و جزء قوانین هادی مملکت باشد البته قابل تغییر است بهر جهت تا بنده بمضاربات و مذاکراتی که در آن موقع جریان داشته است مراجعه کرد و دید آیا انجمن آذربایجان گفته است این چند اصل قانون اساسی تغییر کند و چند اصل دیگر بجای آن گذارده شود یا اینکه گفته است آن اصول را باطل کند یک قانون انتخاباتی می فرستند بهر جهت تا این مسئله مکشوف شود بنده و بلکه تمام آقایان شاید بتوانیم اظهار عقیده بکنیم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - چون فرمایشاتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بر سایر مطالب مقدم است جواباً عرض می کنم قانون اساسی ما که نوشته شده است متأسفانه برخلاف سایر قوانین اساسی که در ممالک دیگر نوشته اند قوانین اساسی سایر ممالک برای تغییر اصول آن یک ماده در آخرش ذکر شده است که بجه ترتیب میتوان آنرا تغییر داد ولی در قانون اساسی ما مفتاحی برای تغییر اصول آن معین نشده در قوانین اساسی سایر ممالک مثلاً در یک جا می نویسد دولت از مجلس سنا و دولت از مجلس شورا اگر با اکثریت رأی دادند که فلان اصل قانون اساسی تغییر کند یا نقض شود آن اصل مطابق رأی آنها اصلاح میشود یا در جای دیگر می نویسد که در هر بازده سال یک مرتبه بمجلس مؤسسان باید دعوت شوند و هر کجای قانون اساسی را لازم میدانند تغییر و تبدیل بدهند و اصلاح نمایند ولی در قانون اساسی ما هیچ مفتاحی برای تغییر اصول آن معین نشده است

چنانچه آقای ملک الشعراء مفصلاً بیان فرمودند موقعی که خواستند در قانون انتخابات تجدید نظر بکنند باین چهار اصل از قانون اساسی برخوردند که ظاهراً یا مقصود آنها مخالفت داشت هر چه فکر کردند برای اصلاح آن چهار ماده ترتیبی بنظرشان نرسید مگر مراجعه بملت کنند به آراه عمومی مراجعه کنند و از همه جا بانجمن آذربایجان اختیار دادند که آن ها با انجمن طهران مذاکره کند و هر طور صلاح دانستند رفتار کنند و بهمین ترتیب هم از طرف انجمن آذربایجان با طهران مذاکرات زیادی شد و یک ترتیبی قرار گذارند

حال آقای حاج شیخ اسدالله فرض می فرمایند که انجمن آذربایجان با هیئتی که در طهران تشکیل شده بود بمنزله مجلس موسسان بود یعنی حق داشته اند قانون اساسی را تغییر بدهند ولی بنده عرض می کنم خیر آن هیئت بمنزله مجلس موسسان نبوده است و آنها فقط در این چهار ماده قانون اساسی دخالت کرده اند و بقیه را مجلس شورای ملی واگذار نموده اند.

چنانچه اینجا می نویسد این نظامنامه تحریر و تنظیم شده در تحت این ملاحظه که مجلس شورای ملی بعد از آنکه بمبارکی افتتاح یافت بموجب اختیاری که در قانون اساسی برای او مقرر است در استقرار با جرح و تعدیل هر یک از مواد نظامنامه آنچه صلاح دانند منظور فرمائید اگر بمنزله مجلس موسسان بود دیگر معنی نداشت اختیاری را بمجلس شورای ملی واگذار کند بجهت آنکه مجلس موسسان همیشه خیلی از مجلس شورای ملی وسایر مجالس بیشر است

مجلس موسسان باید قانون اساسی برای ملت بنویسد مجالس دیگر باید بر طبق آن قانون رفتار کنند و همان طور هم فرمودند سایر مجالس حق تغییر آن قانون را ندارند پس معلوم می شود که آن هیئت خود را نایب مجلس مؤسسان نمی دانسته است زیرا فقط این چهار ماده که از طرف ملت باو اجازه داده شده بوده است آنها را تغییر داده و نظامنامه را بر طبق آن نوشته و قضیه را بمجلس واگذار کرده است و همچنین واگذار بود باختیار مجلس شورای ملی این چند اصل را از حدود قانون اساسی خارج و جزو سایر قوانین هادی نموده است و مجلس همیشه می تواند آنها را تغییر و تبدیل بدهد

چنانچه مجلس دوم این اختیار را پذیرفته و بآن هم عمل نموده بطوری که ملاحظه می فرمائید در ابتداء عده و کلاهی مجلس صد و بیست نفر معین شده بود و در این قانون که تملاد در دست است صد و شش نفر معین کرده است پس معلوم می شود که قانون انتخابات جزو قوانین هادی نشده است و همه وقت مجلس می تواند آنرا

تغییر و تبدیل بدهد عرض دیگر این است برای اینکه مثلاً آن شعب اختلاف پیدا نشود خوب است این مسئله تفکیک شود یعنی اول معلوم شود که آقایان تمدید را بیش از دو سال قائل هستند یا خیر؟ آنوقت اگر آقایان تمدید را قائل شدند بعد سه سال یا چهار سال یا بیشتر یا کمتر مذاکره شود بمقیده بنده این طور بهتر است

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده با تمدید موافقم
رئیس - پس بادو سال مخالف هستید؟

آقای سید یعقوب - بلی بادو سال مخالفم

رئیس - فرمائید
آقای سید یعقوب - از تجربیات زمان ما ثابت شده است همین قانون که مدت انتخابات را دو سال معین کرده است سبب شده است که این همه فترت برای ما پیش آمده است و مشروطیت ما نقصان پیدا نموده است

تقریباً تاکنون هفده سال است که ما مشروطه را دارا شده ایم و در ظرف این هفده سال شاید بیش از هفت سال مجلس نداشته ایم ولی

بواسطه این است که از ابتدا که این مملکت را معین کردند فکر نکردند که این مملکت هیچ وسائل نقلیه ندارد اگر مثلاً نماینده فارس بخواهد بمركز بیاید يك ماه طول می کشد و همچنین از سایر سرحدات هفت یا پنجاه روز طول می کشد تا نماینده آنها بمركز برسد

وسائل نقلیه نداریم که بمجرد رسیدن خبر بفوریت بفاصله ۲۴ ساعت بتوانند نمایندگان خود را بمركز برسانند یا اینکه مجلس افتتاح یابد و روابط ما آنطور که نقاط ممالک متهمه باهم روابط دارند نیست با اینحال منحصر کردن دوره انتخابات بدو سال باعث می شود که زمان فترت اینهمه امتداد پیدا کند

یکی از اصول قانون اساسی این است که اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست این مسئله بلسان انشاء جهت خیریه است یعنی ملت باید قیام کند و نگذارند مشروطیت تعطیل بردار شود و ملت باید قوانینی وضع کند که مطابق آن قوانین مشروطیت تعطیل شود

بنده برای اینکه بوظیفه ملت خود عمل کرده باشم و مطابق این اصل قانون اساسی که می گوید مشروطیت تعطیل بردار نیست رفتار کرده باشم عرض می کنم بگانه طریق برای تعطیل نشدن مشروطیت همان تمدید انتخابات است حال بفرمایش آقایان این تمدید سه سال یا چهار سال باشد در این

موضوع نظریات خود را بدمرض خواهم کرد ولی برای تعطیل نشدن اساس مشروطیت اول قدم ادامه دادن مدت انتخابات است و باید کاری بکنیم که همیشه دوره های مجلس بهم متصل باشند بعقبه بنده این فترتهائی که در این مدت پیش آمده است همه بواسطه مدت دو سال بوده است و ما باید مدت را زیادتر کنیم این است که بنده بر خلاف رأی حاج شیخ اسدالله بتمدید موافقت و این چند اصل هم از قوانین عادی است و مجلس می تواند افراد را تغییر و تبدیل بدهد.

انتخاب نمایند .
رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائری زاده - تشریحات بازده ساله مشروطیت بما فهمانده است که نبودن مجلس برای مملکت خیلی مخاطرات دارد مجلس هر چه بد باشد و کلیش هر چه طرف رضایت مردم نباشد باز وجودش از عدمش بهتر است این جمله باحالی کرده است که برای تعطیل نشدن مجلس هیچ راهی جز تمدید مدت نیست و آن این است که دوره انتخابات را سه سال فرار دهند و هر سالی یک نلث و کلار تغییر بدهند که مجلس همیشه باقی بماند اما نه در این دوره باید مطابق ترتیب قدیم دو سال باشد و اینکه بعضی از آقایان اعتراض فرمودند ممکن است منافای با اصول قانون اساسی باشد ممکن است قانون انتخابات را پس از اینکه کمیسیون حاضر کرد بنظر ملت برسد و از طرف ملت بوکلای جدید اجازه داده شود که در قانون اساسی هم تجدید نظر نمایند آنوقت اگر وکلای جدید این قانون را تصویب نمودند که مجری خواهد بود در حال بعد از آنکه بوکلای جدید حق داده شد که قانون اساسی را هم تغییر بدهند هیچ منافاتی ندارد و بنده ضرری در آن نمی بینم و تمدید را لازم می دانم و چنانچه در دوره سوم بمردم مراجعه شد که بوکلای خودشان اجازه تجدید نظر در قانون اساسی را بدهند.

رئیس - آقای حائریزاده هم بادوسال موافقت و باتمدید موافقت .

رئیس - آقای اقبال السلطان چطور ؟

اقبال السلطان - بنده بادوسال موافقت .

رئیس - بفرمائید .
اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله اعتراضاتی کردند و توضیحاتی خواستند و جواب های شاهزاده محمد هاشم میرزا جواب سئوالات آقای حاج شیخ اسدالله نبود حضرت والا مقصود حاج شیخ اسدالله را تفسیر فرمودند و یک جوابهائی دادند .

در صورتی که مقصود آقای حاج شیخ اسدالله آن نبود که ایشان توضیح دادند . مقصود ایشان این بود که عقیده شود آیا کلیه انجمن های ایالتی و ولایتی ایران به انجمن ایالتی آذربایجان بجهت ترتیب اجازه داده اند ؟

و آیا انجمن ایالتی آذربایجان به انجمن مرکزی طهران چطور اجازه داده است و باید معلوم شود که این اجازه بچه ترتیب بوده و چه شکل رفتار شده است بهر جهت بنده با این موضوع کاری ندارم و نسبت بترتیب انتخابات عرض می کنم .

در دو جلسه قبل آقایان نمایندگان شکایت می کردند که وضع انتخابات در اغلب از ولایات بطور رضایت بخشی نیست و باید مدت را زیاد کنیم .

بنده گمان نمی کنم صلاح باشد که مدتها بیشتر از دو سال قرار بدیم برای اینکه افکار هر روز در تغییر است و شاید اشغالی که باین نمایندگان حالیه رای داده اند بعد از دو سال مایل نباشند بآن ها رای بدهند .

پس برای اینکه نمایندگان بهتر و هم چنین نمایندگانی که طرف توجه ملت باشد باشیم عقیده بنده این است که مدتها طولانی نکنیم تا در هر موقعی اهالی بتوانند نمایندگانی که طرف توجه خودشان است

انتخاب نمایند .
رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

انتخاب نمایند .
رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

شیخ العراقین زاده - گمان می کنم نماینده محترم توجه باظهارات آقای ملک الشعراء و شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند زیرا اگر توجه میفرمودند معلوم می شد که انجمن ایالتی آذربایجان صلاحیت تغییر چهار اصل که یکی از آنها هم اصل پنجم است بیک هیئتی که در طهران بوده اند داده است و هیئتی که در طهران بودند صاحب تغییر آنها را داشته و همین جهت تغییر هم داده است مثلا در اصل پنجم می نویسد منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب می شوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تمام را در طهران حاضر خواهند شد در صورتی که در دوره سوم چهارم ابتدای اصل رعایت نشده است و نصف بعلاوه یک که حاضر شدند مجلس مفتوح خواهد شد و آن هیئت این چهار اصل را تغییر نداده که بجای آن چهار اصل دیگر در قانون اساسی گذارده شد و مطابق شرحی که آقای محمد هاشم میرزا قرائت فرمودند صلاحیت تغییر آن را هم بمجلس داده اند و دیگر نوشته است مجلس دوم یا سوم - فقط نوشته است مجلس شورای ملی این صلاحیت را دارد و وقتی عبارت بطور مطلق شد البته هر مجلس که تشکیل شد این صلاحیت را پیدا خواهد کرد زیرا مواجبه می شود باین قوانین عادی و وقتی با قوانین عادی مواجبه شد بدیهی است همیشه صلاحیت تغییر آن را دارد این بود خلاصه جواب آقای که عرض کردم اما راجع بتمدید اساسا باید بینم علت تشکیل پارلمان چیست ؟

پارلمان تشکیل میشود برای اینکه نماینده افکار عمومی باشد و از سیاست داخلی و خارجی بیک دولت مستحضر باشد . برای این که هیچ دولتی از پیش خودش نتواند ملت را بسمت بدبختی سوق دهد . اگر فقط نظر این است پس دو سال خصوصاً در یک محیطی که هنوز آشنا با اصول پارلمانی نیستند و کاملا با اصول امروزه دنیا آشنائی ندارد فایده نخواهد داشت . پارلمانی که امروزه با این مدت قلیل تشکیل میشود کمتر توافق نظر بین آنها حاصل میشود و وقتی یک پارلمانی موافق فکری نداشته باشد قبل از آنکه قضایا بجزایر افتد دو سال تمام خواهد شد و آنوقت در چنین محیطی که باید با هزاران زحمت پارلمان را تشکیل داد دو سال و پنج سال و هفت سال ایام فترت طول میکشد پس از این نقطه نظر است که عرض میکنم پارلمان باید چهارالی پنجسال موجودیت ثابت داشته باشد و موجودیت ثابت او اولاً بیک تاثیر در افکار میکند و افکار را تربیت خواهد کرد و ثانیاً جلوگیری از یک دوره فترتی که هر ساعتش صدسال ملت را عقب می اندازد میکند . حالا از زمانه تمدید که چه شکل باشد و چهار سال باشد و هر سالی ربع و کلار تغییر بدهند بعد در موقعش عرض خواهم کرد

پارلمان تشکیل میشود برای اینکه نماینده افکار عمومی باشد و از سیاست داخلی و خارجی بیک دولت مستحضر باشد . برای این که هیچ دولتی از پیش خودش نتواند ملت را بسمت بدبختی سوق دهد . اگر فقط نظر این است پس دو سال خصوصاً در یک محیطی که هنوز آشنا با اصول پارلمانی نیستند و کاملا با اصول امروزه دنیا آشنائی ندارد فایده نخواهد داشت . پارلمانی که امروزه با این مدت قلیل تشکیل میشود کمتر توافق نظر بین آنها حاصل میشود و وقتی یک پارلمانی موافق فکری نداشته باشد قبل از آنکه قضایا بجزایر افتد دو سال تمام خواهد شد و آنوقت در چنین محیطی که باید با هزاران زحمت پارلمان را تشکیل داد دو سال و پنج سال و هفت سال ایام فترت طول میکشد پس از این نقطه نظر است که عرض میکنم پارلمان باید چهارالی پنجسال موجودیت ثابت داشته باشد و موجودیت ثابت او اولاً بیک تاثیر در افکار میکند و افکار را تربیت خواهد کرد و ثانیاً جلوگیری از یک دوره فترتی که هر ساعتش صدسال ملت را عقب می اندازد میکند . حالا از زمانه تمدید که چه شکل باشد و چهار سال باشد و هر سالی ربع و کلار تغییر بدهند بعد در موقعش عرض خواهم کرد

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

رئیس - آقای حائریز

مشارکتی در مشی سعادت اجتماعی خود حتی از داشتن انجمنهای ایالتی و بلندی معرومه اگر وسیله آسایش آنها فراهم نشود و بر عکس ایجاد انقلاب و هرج و مرج شود مسئولیت و ایرادی بر اهالی وارد نبوده بلکه مسئول حقیقی همان اشخاصی میشوند که تقبل اداره کردن آن جماعت را نموده اند خاصه مامورینی که طرف اعتماد کامل دولت بوده و همه نوع مساعدت عملی بافکار و عقاید آنها شده و در مقابل اقتدارات و اختیارات کاملاً که داشته معلوم نیست چه کرده اند و چه نتیجه برای اهالی مملکت حاصل شده است از متعصبان اصلی خود نمی خواهم خارج شوم ولی ضرر ندارد آقایان بدانند سیاست مامورین مرکز از دو صورت در این مدت خارج نبوده یک دسته از اکثریت بی مبالائی زمام اختیار را تماماً تفویض یک جماعت معهودی از اهل محل نموده و سبب آسایش و امنیت و مختاریت از جماعت دیگر شده اند دسته دیگر خود را عقل کل پنداشتند در کلیه امورات کشوری و لشگری مداخله نمودند حقوق قانونی افراد را تحت فشار اراده مطلقه خود لغو ناپدید ساخته اند مطابق مشاهدات محلی بنده در این سنوات اخیر تغییر این دو طرز اصول دیگری در حکمرانی بر ایالت آذربایجان معمول نبوده است فهم این گونه تدابیر اداری بر جمع کثیر اهالی آذربایجان و بنده غیر مقصور بوده و ناچار اعتراف بقصور ادراک خود کرده ام زیرا نمی توانستم تصور کنم که وزراء محترم بدون دلیل و علت توسعه بی حد اقتدار مامورین داده و تسلیم صرف به تصمیمات آنها بشوند چون غرض خصوصی و طرفیت با کسی ندارم از ذکر ایراد اسمی برای تأیید این عرایض خودم صرف نظر می کنم و فقط عرض می کنم این رویه برای آذربایجان مفید واقع نشده و در هیچیک از رشته های اجتماعی و حیاتی این ایالت حسن اثر نبخشیده است اختیارات و اقتدارات کاملاً در مواقع فوق العاده با شخص لایق و مبرز برای اخذ یک مقصود و نتیجه داده می شود در صورتی که نتیجه این اختیارات در آذربایجان این شده است که چندین ولایت بولایات مخروبه علاوه و صدها افراد نظامی و صاحب منصبان جوان شجاع جان خود را که ذخیره ذقیمتی برای روزهای شديتر بود فدای این هوسرانیها داشته تمدنی وارد بر اهالی از هر حد تصور تجاوز کرده هر رئیس اداره هر رئیس بلدی ایجاد و وضع مالیات نموده عایدات آن را بمصرف نخواهد رسانید فقر اقتصادی آذربایجان نیز نه فقط فقدان تجارت و صادرات است بلکه فلاکت اسف انگیز دهاتی بیش از همه در آن مؤثر است این شدت فلاکت و معوشدن زراعت در این ایالت پر ثروت هلت خارجی ندارد و منحصر بایستی از جبر و تعدیات و همال و مامورین داخلی است در بعضی از ولایات جزو آذربایجان

باندازه مالیات دیوانی تعمیمات و عوارض بمناوبن مختلفه از اهالی اخذ شده میشود نتیجه باز عملیات ولی مبالائیها است که کلیه رشته های حیاتی را فلج نموده است تاجر معامله و داد و ستد را قطع نموده بازار کساد طرق تجارت مقطوع از شدت جبر بشتر در دیگر هیچ بار برداری ولو دو برابر گریه از طهران بقصر شیرین رانده اند حاضر بر رفتن سمت تبریز نمی شود ملاک در مقابل حکومت کفمانشائی ملک را مخروبه بلکه در مقابل مالیات حاضر بتسلیم آن می شوند فقط اشخاصی بهره مند هستند که بشارت و غارت و جیاول پرداخته از خرابی دیگران متنعم شده اند آقایان محترم قطع داشته باشند که برای مطلع ترین شماها هزار یک بد بختیهای آذربایجانی نوشته است آذربایجان امروز عبارت ازدهات مخروبه و رعایای متوازی است که برای گذران یومیه دست عیال و اطفال خود را گرفته به گیلانات و ایالات دیگر به فعلگی و مزدوری میروند در شاهرها و جاده ها هزاران مهاجرین ارومیه خوبی سلسوزی و غیره دیده میشود که با رقت انگیز ترین حالات فاقد کلیه مایحتاج حیاتی همه جان بیروح خود را در پی قرض نانی فرسنگها می کشانند ذکر این مسائل شاید بنظر سهل می آید ولی باید دانست که این اجساد بی رمق که با ریشه درخت و علف صحرائی امرار حیات می کنند تمام اهل این مملکت بوده حقیقی ملت و برادران ما هستند آنها هم حق حیات دارند و از ما سؤال می کنند برای آنها چه کرده ایم اعانه دادیم تقریب کردند مسئول این خیانت تعقیب نشد شانزده هزار تومان از همین وجه اعانه در مالیه تبریز موجود بود آن راهم بعواملجات نا معلوم پرداخته اند و امروز بدبخت مهاجرین که از هر طبقه هستند برای ماهی پنج تومان و ده تومان شهریه روزی شش هفت ساعت درب مالیه ایستاده جواب پول نیست می شنوند بنده خود را حقیقتاً عاجز از تقریر فلاکت های یومیه که در جلوی چشم بوده میدانم و استنباط و همت آن را بوجدان وظیفه شناسی خود آقایان و امی گذارم مالیات دولت هواید گمرکات و راهها قریب بصفه است از یانصد هزار تومان و پنجاه هزار خروار مالیات جزه جمعی مستقیم امروز باندازه وصول نمیشود که نان شهر تبریز بخوبی اداره شود از مرکز هفتاد هزار تومان اعتبار بایالت وقت برای این کار میدهند راست است یک قسمت عهده از مالیات های متمردین باقی مانده ولی این قسمت صندو بیست شاید بشود بلکه صدوسی بیشتر راجع بخرابی و ویرانی دهات است تصور بکنید اوراق باشد اگر

عرض کنم صدی سی دهات آذربایجان مخروبه مسلوب المنفعه و تقریباً خالی از سکنه هستند بسا این حال باز مامورین دولتی با هز می ثابت مالیات را مطالبه میکنند ولی این مالیات گویا آخرین مالیات آنها باشد زیرا دهاتی و رعایا برای خلاص از دست تعدیات مامورین که هر یک باندازه اصل و فرح مالیات فوق العاده می نماند و غیره مطالبه می کنند آلات زراعت خود را فروخته مهاجرت می کنند وقتی که زندگانی دخالت رعیت و دهقان این باشد معلوم است حال مملکت چه می شود با کمال جرأت عرض می کنم عنقریب مالیات مستقیم آذربایجان بکلی از میان خواهد رفت زیرا مامورین دولتی در عوض تشویق و کمک بزارعین هم خود را صرف خرابی رعایا و معدوم ساختن و سائل کار آنها نموده اند قطع بفرمائید که امروز در تمام مملکت ایران طبقه ذلیل تر از زارع آذربایجانی موجود نیست پس از اینکه مامورین ایالت مالیه محل نظام و غیره هر یک بنوبه خود عملیات مشعشع نمودند بلا فاصله نوبت باشار میرسد که گله گاو و مواشی و بالاخره پلاس و مختصر لوازم زندگانی آنها را بمارت میبرند یا رسال متجاوز از پنجاه هزار نفر تمدنی و ظلم فقط از خاک گرم رود متوازی و مهاجرت کردند اگر راه روسیه باز می بود و در آن طرف سرحد کار پیدامی شد نصف بیشتر اهالی آذربایجان مهاجرت اختیار می کردند شنیده ام که یک سیاست بزرگی همیشه هواخواه این بوده است که ممالک شاهنشاهی باید حکم صحراهای عظیم افریقا را پیدا کنند در آذر باجان این نقشه خیلی پیشرفت کرده و اگر طرز اداره کردن ایالات دیگر به همین ترتیب باشد موفقیت در این نقشه اشکالی نخواهد داشت اهالی آذربایجان فوائین مشروطیت و مرکزیت مملکت را مقدس و محترم می شمارند ولی در این سنوات اخیر از طرف مامورین دولتی ضربتهای مهلکی باین حس و عقیده وارد آورده اند قلوب اکثریت اهالی را منزجر و آزرده نموده اند این یاس و نا امیددی معلوم است تا چه حد مضر است پس باید توجه در اصلاح کرد باید با اهالی فداکار مظلوم که در هیچ مورد از مشارکت در وظایف اجتماعی خود داری نکرده اند حق دارد باید بآنها گفت مامورین بد کرده و قصور نمودند تا اهالی امیدوار بوده بدانند که هیئت مقننه طرفدار این حرکات نبوده بسکوت هم قائل نشده در اصلاح اعمال گذشته و جبران آنها سعی و اهتمام عملی خواهد نمود شما از مطالب و ابیالات اهالی آذربایجان را که ذکر کردم فقط بامید جلب توجهات نمایندگان محترم در اصلاح بود در جریان اقداماتی هم شده که باعث تشکر اهالی است مخصوصاً تجمع قوای

مکفی و قادری که در آذربایجان شده باعث امیدواریهاست و همه انتظار دارند که در اثر فدا کاریهای قشون شجاع از دست اشرار و تعدیات آنها عنقریب خلاص حاصل کنند امیدوارم عزم راسخ هیئت دولت و همت شخص آقای وزیر جنگ این انتظار عمومی را بموقع و صدق نماید بدون اینکه بخواهم توضیحاتی در قضایای جاریه حدودی که میدان عملیات نظامی است بدهم لازم و ضروری میدانم اختصاراً این نکته را گوشزد نمایم که نباید کلیه اکراد را با قسمت متمردین مخلوط و شریک داشت اکراد مکرری از دیر زمان خدمتگذار دولت بوده و محبتهایی که دیده اند در نظر داشته فراموش نمی کنند و بعضی از آنها فریب خورده و از روی جهل خود را بادشمن همراه کرده اند بر عکس جمعی دیگر منجمه طایفه بیکزادگان مکرری و خانواده محترم نضاح شهری این دو طایفه در قضایای اخیر در راه خدمتگذاری و دولت خواهی دچار صدمات جانی و خسارات مالی شده و خدمانی کرده اند که خود بنده شاهد بوده ام استحقاق همه گونه توجه و تعلق اولیاء دولت را هم دارند پس از جلب توجه آقایان ب فلاکت اهالی آن سامان امیدوارم که برای جبران این اوضاع مجلس شورای ملی با موافقت دولت قدمهای سریع جدی برداشته و یاسی که امروزه مستولی بر آن ناحیه است مبدل بامیدواری بشود در خاتمه فقط برای تذکر آقایان و اولیاء امور را مسبق می کنم که امروزه واجب ترین و مهمترین اقدام برای آسودگی و رفع اضطراب و تشویش اهالی دفع شر اسمعیل آقای شقی است که اعمال و رفتارش محتاج بتوضیحات بنده نیست و همه آقایان می دانند چه آتش سوزانی در آن صفحات یرپا داشته است **وحید الملک** - خوب است چاپ شود که همه بدانیم و جزودستور شود **رئیس** - و کلای آذربایجان که بالفعل سه نفرند خوب است بین خودشان تبادل نظر کنند اگر چیزی بنظرشان رسیده بمجلس پیشنهاد کنند جلسه آینده شب چهارشنبه سیزدهم ثور دو ساعت ونیم از شب گذشته **شیخ الاسلام** - خوب است جلسه را شب سه شنبه و شب جمعه قرار دهند **رئیس** - همان روزهایی که جلسه بود حال هم خواهد بود منتهی حالا شب تشکیل میشود دستوراً و لا بقیه مذاکرات راجع بقانون انیخابات ثالثاً مسئله قالی جوهری • **مجلس شش ساعت از شب گذشته ختم شد**